

عنوان :

بصیرت چیست و چگونه حاصل می‌شود؟

تاریخ :

1392/09/17

معنای بصیرت

بصیرت به معنی دانایی، بینایی، بینایی دل، هوشیاری، زیرکی و یقین است. (1)

نزد اهل معنا، نیرویی نهانی و قوّه‌های قلبی است که در شناخت حقایق تا عمق وجود و باطن ذات آن رسوخ می‌کند. برخی از اهل معرفت می‌گویند: «بصیرت قوّه قلبی یا نیرویی باطنی است که به نور قدس روشن گردیده و از پرتو آن، صاحب بصیرت، حقایق و بواطن اشیا را در می‌یابد. بصیرت به مثابه بَصَر (چشم) است برای نفس». (3)

میان

بَصَر

که تأمین کننده نور ظاهری، و

بصیرت

که آورنده نور باطنی است، تفاوت بسیار است؛ مانند:

1. نور ظاهری، تنها با بینایی انسان سر و کار دارد. خورشید و ماه و چراغ، بیش از این که فضا را روشن و بینایی انسان را یاری کند، کاری انجام نم‌دهد. پس اگر انسانی ناشنوا بود یا در بویایی و لامسه و گویایی خود نقص داشت، با تابش آفتاب و مهتاب و نورهایی از این قبیل، مشکلاتش حل نم‌شود. اما نور باطن همه نقصهای (باطنی و معنوی) انسان را برطرف، و تمام دردهای او را، درمان می‌کند. . .

در صورتی که درون کسی را روشن کرد، ساحت جاننش چنان نورانی می‌شود، که هم صحنه‌های خوبی را در خواب و بیداری می‌بیند، هم آهنگهای خوبی را می‌شنود، هم رایحه‌های دل‌انگیزی را استشمام می‌کند و هم لطیفه‌های فراوانی را لمس می‌نماید. (4)

2. انسان دو چهره یا دوجنبه دارد: چهره ظاهری یا مُلکی و چهره باطنی یا ملکوتی، خداوند برای دیدن ظواهر، بَصَر را به صورت بالفعل به انسان داده، بشر از آغاز تولد به کمک آن هر چه را که در شعاع چشم و منظر او قرار گیرد می‌بیند. اما برای دیدن باطن و شهود ملکوت، قوه نوری را در نهاد او نهادینه نموده به نام بصیرت، که تا آن "نور استعدادی" از قوه به فعلیت در نیاید، رؤیت باطن و شهود ملکوت، میسر نخواهد بود.

صاحب جامع الاسرار می‌نویسد: معنای سخن خداوند (نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء)، (5) (... و من لم يجعل الله له نوراً فماله من نور)، (6) چیزی جز این نیست که تا نور حق حاصل نیاید و به دل و جان سالک نتابد، بصیرت در او پدید نیاید. نور حق سرمه چشم بصیرت است و تمام تلاش اهل مجاهده برای آن است که مورد عنایت حق قرار گیرند و نور حق بر دل و بر جانیشان پرتو افکن گردد. (7)

حافظ شیرازی که می‌گوید:

گرنور عشق حق به دل و جانت افتد - بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

ناظر به همین نور است. با پرتو افکن شدن نور حق است که سالک از تحیر و تردد می‌رهَد و سرانجام به حقیقت می‌رسد.

راه تحصیل بصیرت

برای نیل به مقام رفیع بصیرت باید به بازسازی و اصلاح نفس خویش پرداخت.

مجاهده با هوای نفسانی و تهذیب روح از زنگارهای گناه، و لطیف و شفاف ساختن آئینه دل به نور توحید، تنها صراط مستقیمی است که "حجاب دیدگان دل" را می‌گشاید و آدمی را در معرض الهامات غیبی و مقام کشف و شهود قرار می‌دهد.

1. توبه: اولین گام برای تهذیب نفس و تحصیل بصیرت است. توبه از تقصیرات و گناهان، بلکه از کوتاهیها و جبران حق

الله و حق التّاسی است.

2. ذکر خدا: ذکر زبانی، قلبی و عملی، موجب بصیرت می‌گردد. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ

استبصر؛ (8) هر کسی به یاد خدا باشد، بینایی و بصیرت یابد».

3. هم نشینی با علما: مجالست با علما که موجب بصیرت و بینایی است. علی(ع) می‌فرماید: «جاور العلماء

تستبصر؛ (9) با دانایان بنشین تا آگاهی یابی».

4. خرد ورزی: کسی که هر خبر یا مطلبی را می‌شنود، فوراً نمی‌پذیرد، بلکه پیرامون آن می‌اندیشد و آن را از صافی

عقل و اندیشه‌اش می‌گذراند، بصیرت و بینایی می‌یابد، چنان که آینده نگری و به کارگیری خرد در فرجام امور باعث

بصیرت و بینایی می‌گردد. (10)

5. زهد: زهد و عدم دلبستگی به دنیا، از اموری است که باعث بصیرت می‌گردد. (11)

6. ارتباط با خدا؛ ازدیاد معرفت به خدا، انس با قرآن و معانی و معارف آن، توسل به ائمه (ع) و مناجات با خدا در خلوت مخصوصاً نماز شب از اموری هستند که موجب بصیرت و بینایی و برخورداری از الهامات غیبی می‌شود. درجات و مراتب بصیرت

بصیرت باطنی و بینایی دل، درجات و مراتبی دارد. اوج آن مرتبه‌های است که ائمه (ع) دارند.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لو كشف الغطاء ما ازددت یقیناً؛ اگر همه پرده‌ها فرو افتد، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود». (12)

اگر چه آن مرتبه از یقین مخصوص اولیای معصوم (ع) است، ولی دیگران نیز می‌توانند مراتبی را تحصیل نمایند. هر کسی نور باطنی را از فطرت خدا داد خویش استخراج کند و چشم و گوشش باز شود، می‌تواند خدا و نشانهای او را با «چشم دل» ببیند و صدای تسبیح موجودات هستی را بشنود، که به حکم «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض». (13) همه آنان که در آسمان و زمینند، تسبیح خدا می‌کنند. بسیاری از واقعیتها را که با ابصر نمیتوان دید، با بصیرت مشاهده می‌کند، بلکه توانایی دیدن جهنم و شنیدن صدای زفیر آن را پیدا می‌کند، چنان که قرآن می‌فرماید: «کلا لو تعلمون علم الیقین لتروا الجحیم، ثم لترونها عین الیقین». (14)

آثار بصیرت

در حدیث نبوی آمده است که در دل هر بندهای دو دیده نهانی است که به واسطه آن دو، غیب را می‌نگرد و چون خدا بخواهد در حق بندهای نیکی کند، دو چشم دلش را می‌گشاید تا به واسطه آن، آنچه را که از دیدگان ظاهریش نهان است، بتواند دید.

از شمار انسانهای صاحب بصیرت «حارث بن مالک بن نعمان انصاری» بود. پیامبر اکرم از او پرسید: "چگونه‌ای و در چه حالی؟" عرض کرد: "مؤمن راستین و اهل یقینم". پیامبر فرمود: "علامت یقین و ایمان راستینت چیست؟" عرض کرد: "زهد و کناره‌گیری نفسم از دنیا و دل بستگی آن، موجب شد که شبهایم را به بیداری و عبادت و روزهایم را به روزه و تشنگی بگذرانم، از این رو به درجه‌ای از بصیرت و بینایی رسیده‌ام که گویی عرش پروردگارم را که برای حسابرسی بر پا شده است، می‌بینم و بهشتیان را در حال زیارت یکدیگر می‌نگرم و زوزه وحشتناک جهنمیان را از درون آتش می‌شنوم". پیامبر فرمود: "بنده‌ای است که خدا قلبش را روشن کرده است. حال به برکت این نور الهی صاحب بصیرت شده‌ای پس آن را حفظ کن". (15)

این خاصیت نور باطنی یا بصیرت است که از فطرت انسان پرتو افشان می‌شود و اگر منبع الهی آن (فطرت) زنده به گور نشود و غبار آلودگها و تیرگی هواهای نفسانی آن را نپوشاند، همواره چشم بصیرت باطن پر فروغ خواهد بود اما اگر در پشت ظلمت گناه پنهان گردد و انسان تبهکار، حقیقت خود را نبیند، از آن رو که نوری ندارد، خود را گم می‌کند و پس از مدتی خویشتن را به کلّی فراموش می‌نماید.

پی نوشت ها:

1. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ج 1، ص 546.
3. دائرة المعارف تشیع، جمعی از محققان، ج 3، ص 271.
4. آیت الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی ج 14، ص 132 - 13
5. نور (24) آیه 35.
6. همان، آیه 40.
7. جامع الاسرار، ص 510 و 580 - 579.
8. غررالحکم، ج 5، ص 166
9. غررالحکم، ج 3، ص 387.
10. "من استقبل الامور ابصر" یا "من فکر أبصر العواقب" ؛ همان.
11. همان.
12. بحارالانوار، ج 66، ص 209.
13. جمعه (62) آیه 1.
14. تکاثر (152) آیات 7-6-5.
15. الکافی، ج 2، ص 54.